

رویه های حسابداری دارایی های نامشهود و چالش های پیش رو

اسماعیل مظاهری

دانشجوی دکتری حسابداری ° دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۳۱

چکیده:

در عصر اقتصاد مبتنی بر دانش، فعالیت های ارزش آفرین سازمانها فقط متکی بر دارایی های مشهود آنها نیست؛ بلکه توانمندی سازمانها در بکار گیری دارایی های نامشهود، قدرت اصلی ارزش آفرینی آنها را شکل می دهد [۴]. سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود در حال تبدیل شدن به یکی از مهمترین عوامل ارزش آفرینی برای بسیاری از بنگاه های اقتصادی می باشد. به هر حال با استفاده از استانداردهای جاری حسابداری به ندرت این سرمایه گذاری ها به عنوان دارایی شناخته می شوند. در این مقاله با استفاده از یک رویکرد انتقادی، به بررسی ادبیات موضوعی دارایی های نامشهود و برخی از چالش های پیش روی رویه های حسابداری این دارایی ها پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که افشای اختیاری اطلاعات دارایی های نامشهود به عنوان راهکاری به منظور برطرف کردن مشکلات شناسایی این دارایی های در صورت های مالی معرفی شده است.

کلید واژه: دارایی های نامشهود، دارایی غیر پولی، مخارج تحقیق و توسعه، افشای اختیاری

Accounting practices for intangible assets and challenges ahead

Abstract

In the new Knowledge-based economy, value creation activities of organizations not only based on their tangible assets, but also the ability of organizations to use intangible assets, the value of their original shape. Intangible investments have become the main value creators for many companies and economic sectors. However, these investments are rarely recognized as assets by current accounting standards. In This Study, We provide a critical review of the literature on intangible assets and some of the challenges facing the accounting policies have been assets. Our survey concludes that disclosure can considered as a solution to the negative consequences of non-recognition of intangibles in financial statements.

Keywords: Intangible assets, non-monetary asset, R&D expenditures, Voluntary disclosure

پښتو ښوونځي
پښتو ښوونځي
پښتو ښوونځي

مقدمه:

در طی سالهای اخیر ماهیت سرمایه گذاری شرکت ها در دارایی ها دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. به طوری که علاوه بر سرمایه گذاری در دارایی های مشهود، اهمیت سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود نیز به طور چشم گیری افزایش یافته است [۳] دارایی های نامشهود دارایی هایی با عمر طولانی و غیر قابل لمس هستند که توسط یک شرکت تجاری توسعه و گسترش می یابند و جزء دارایی های شرکت تلقی می شوند. [۱۷] سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی^۱، در بررسی های خود نشان داد در برخی از کشورها سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود در رقابت با سرمایه گذاری در دارایی های مشهود قرار دارد. برای مثال مطالعات این سازمان در آمریکا و فلاند حاکی از آن بود که در سال ۲۰۰۲ جمع سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود نسبت به سرمایه گذاری در دارایی های مشهود بیشتر شده است [۲۰]. رشد سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود به گونه ای است که در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در ژاپن این سرمایه گذاری ها بیش از ۷۵٪ رشد داشته است. این سرمایه گذاری ها محرک مهمی در رشد شرکت ها می باشند [۶].

در سطح اقتصاد خرد نیز پژوهشگران متعددی از قبیل زیگال (۲۰۰۰) نشان دادند که جایگاه دارایی های نامشهود در سرمایه شرکت به طور فزاینده ای رو به افزایش است [۲۴]. این تغییر در سرمایه نشان دهنده عبور از اقتصاد صنعتی به یک اقتصاد جدید بر پایه دانش است.

دارایی های نامشهود

اصطلاح نامشهود، مفاهیم تکمیلی گوناگونی را پوشش می دهد که موجب شده تا عباراتی همچون سرمایه گذاری های نامشهود و دارایی های نامشهود علی رغم تفاوت در شکل ،

درماهیت با یکدیگرتفاوت نداشته باشند. هانتر و وبستر در مطالعات خود نشان دادند که کلمه نامشهود مرتبط با دارایی های بدون ماهیت فیزیکی و سرمایه به دارایی های حفظ شده توسط شرکت به منظور استفاده در سودآوری آتی اشاره دارد [۱۳].

در راستای ارائه یک تعریف مشخص از دارایی های نامشهود، استاندارد حسابداری بین المللی شماره ۳۸، دارایی نامشهود را اینگونه تعریف می کند: «دارایی نامشهود یک دارایی غیر پولی، قابل شناسایی بدون وجود فیزیکی است که برای استفاده در تولید یا عرضه کالا و خدمات یا اجاره به سایرین و یا برای سایر مقاصد اداری نگهداری می شود» [۱۴]. استاندارد شماره ۱۷ حسابداری ایران نیز دارایی نامشهود را «یک دارایی غیرپولی قابل تشخیص بدون وجود فیزیکی است که برای استفاده در تولید یا عرضه کالاها و خدمات یا اجاره به سایر مقاصد اداری نگهداری می شود»، تعریف می نماید [۱]. بلیر و والمن (۲۰۰۰) در مطالعه خود به طبقه بندی دارایی های نامشهود پرداختند. آنها در این تحقیق دارایی های نامشهود را به سه دسته زیرتقسیم بندی نمودند [۸]:

۱- آن دسته از دارایی های نامشهود که شرکت بطور شفاف دارای حق مالکیت آنها بوده و دارای بازار خرید و فروش می باشند. در این گروه دو نمونه از دارایی های نامشهود قابل تفکیک شدن است:

الف- دارایی هایی از قبیل کپی رایت، نام تجاری، حق اختراع.

ب- قراردادهای تجاری، لیسانس و پایگاه های داده.^۲

۲- دارایی های نامشهودی که تحت کنترل شرکت هستند اما تعریف درستی از آنها در دست نیست و ممکن است حق مالکیت قانونی برای آنها وجود نداشته باشد. همچنین برای آنها یا بازاری وجود ندارد و یا دارای بازار غیر فعال و ضعیف هستند. مثال هایی از این قبیل دارایی ها

شامل: مخارج تحقیق و توسعه، اعتبار تجاری، سیستم های مدیریت اموال و فرآیندهای تجاری است.

۳- دارایی های نامشهودی که شرکت کنترل کمی بر آنها دارد و بازار فعال برای آنها وجود ندارد. این دارایی ها به نیروی انسانی شرکت مربوط می باشند. مثال هایی از این قبیل شامل دارایی های سرمایه انسانی، دارایی های سازمان یافته و سرمایه فکری می باشد. در سایر مطالعات صورت گرفته در ارتباط با طبقه بندی دارایی های نامشهود که اغلب توسط استاندارد گزاران حسابداری توسعه یافته اند، دارایی های نامشهود به دو دسته تقسیم می شوند که عبارتند از [۱۱]:

الف) دارایی های نامشهودی که درون شرکت ایجاد شده است.

ب) دارایی های نامشهودی که از خارج از شرکت بدست آمده است.

چالش های پیش روی داراییهای نامشهود

مطالعات انجام شده نشان می دهد بر خلاف کاهش بازدهی دارایی های مشهود، دارایی های نامشهود به منبعی نیرومند برای افزایش عملکرد کسب و کار تبدیل شده است. محققان متعددی از جمله باروخ لو در تحقیق خود نشان دادند که سرمایه گذاری بر روی دارایی های نامشهود در طی سالهای اخیر افزایش چشمگیری یافته است [۲]. از آنجا که هدف اصلی گزارش گری مالی ارائه اطلاعات مفید به استفاده کنندگان از صورت های مالی برای اخذ تصمیم آگاهانه و تخصیص بهینه منابع محدود است، عدم ثبت دارایی های نامشهود موجب کاهش مفید بودن صورت های مالی می گردد [۹]. مفسرین حسابداری عقیده دارند که حذف دارایی های نامشهود از ترازنامه ایراد بزرگی به گزارش گری مالی وارد می کند. آنها بیان می دارند که چگونه حسابداران می توانند ترازنامه ای را گزارش کنند که دارایی های مهمی همچون علائم تجاری، سرمایه انسانی و ... را نادیده بگیرد، حال آنکه بیشتر ارزش شرکت های امروزی به جای حاصل شدن از دارایی های مشهود از دارایی های نامشهود حاصل می شوند [۲۱]. در این راستا کاپلن و

نورتون در مطالعه خود بیان می‌دارند که مهمترین دلیل برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود آن است که اگر سازمانی بتواند سرمایه‌های انسانی مانند مهارت و دانش کارکنان را با سیستم اطلاعاتی مدیریت منابع انسانی همسو نماید، موفق به خلق یک مزیت رقابتی قوی خواهد شد که رقبا به راحتی نمی‌توانند از آن کپی برداری نمایند [۱۵].

اشتون (۲۰۰۵) در مطالعه خود نشان داد که خط مشی بلورو والمن در طبقه بندی دارایی‌های نامشهود در ارتباط با دشواری در اثبات مالکیت و حق کنترل و به طور کلی دشواری در اندازه‌گیری این دارایی‌ها می‌باشد؛ لذا در طبقه بندی آنها سومین طبقه دارایی‌های نامشهود مشکلات حسابداری زیادی را نسبت به دو طبقه قبل پدید آورده است که دلیل این امر را می‌توان دشواری در اندازه‌گیری دارایی‌های این طبقه دانست [۷]. در ارتباط با سایر دسته بندی‌های دارایی‌های نامشهود که اغلب آنها را به دو دسته الف) ایجاد شده در داخل شرکت و ب) تحصیل شده از خارج شرکت تقسیم بندی می‌کنند، لازم به ذکر است که در دسته دوم یعنی دارایی‌های تحصیل شده از خارج شرکت به این دلیل که قیمت آنها در هنگام مبادله تعیین می‌گردد، مشکلات حسابداری پدید نمی‌آید. اما در مقابل در ارتباط با دسته اول به دلیل آنکه دارایی‌های نامشهود در درون شرکت ایجاد شده است، مشکلات جدی در شناسایی آنها به وجود می‌آید [۱۱].

به هر حال ارزش‌یابی دارایی‌های نامشهود در چهارچوب حسابداری با مشکلات متعددی از جمله شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل روبه‌رو است. این مشکلات موجب شده تا مدل‌های سنتی ارزش‌یابی که بر دارایی‌های مشهود، هزینه‌های تاریخی و محافظه‌کاری حسابداری استوار است، از ارزیابی کامل شرکت‌ها در فضای کنونی تجارت و اقتصاد ناتوان باشند [۱۹].

رویه‌های حسابداری دارایی‌های نامشهود و مشکلات پیش رو

دارایی‌های نامشهود در ترازنامه شرکت مطابق با تعریف دارایی و معیار شناسایی حسابداری ثبت می‌شوند. به هر حال استانداردهای حسابداری در ارتباط با دارایی‌های نامشهود شرایطی را

وضع می‌کنند که بسیار محدود کننده است. بنا به این شرایط تنها تعداد کمی از سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند در قالب دارایی‌های نامشهود یک شرکت نشان داده شوند [۱۱]. در این راستا هیئت تدوین استانداردهای بین‌الملل حسابداری دارایی‌های نامشهود را به شکل دارایی‌های غیر مالی قابل شناسایی بدون ماهیت فیزیکی تعریف می‌نمایند که این تعریف مشابه با تعریف هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۳ است که در آن دارایی‌های نامشهود به عنوان دارایی‌های غیر جاری و ادعاهای غیر مالی برای منافع آتی که فاقد ماهیت فیزیکی و شرایط مالی است، تعریف می‌گردد. [۱۲]. در تعاریف ذکر شده از سوی هر دو سازمان، دارایی به عنوان منبع قابل کنترل توسط شرکت که در نتیجه وقایع گذشته به دست آمده و انتظار می‌رود جریان منافع اقتصادی آتی به درون شرکت داشته باشد، معرفی می‌گردد. در این راستا هر دو سازمان، کنترل شرکت بر دارایی را قدرت شرکت در بدست آوردن منافع اقتصادی آتی حاصله از دارایی و همچنین محدود نمودن دسترسی دیگران به این منافع تعریف می‌کنند [۱۱].

در تعریف دارایی‌های نامشهود، مفهوم کنترل باعث ایجاد پاره‌ای از مشکلات حسابداری می‌شود. هم هیئت استانداردهای بین‌الملل حسابداری و هم هیئت استانداردهای حسابداری مالی به شیوه مشابه مفهوم کنترل بر دارایی را توضیح می‌دهند. با این وجود، مفهوم کنترل سولاتی پیرامون محافظت از مهارت‌ها و دانش کارکنان پدید می‌آورد. به عبارت دیگر شرکت‌ها نه مالک کارکنانشان هستند و نه مالک عقاید و نظرات آنها، لذا سرمایه‌گذاری‌ها در دارایی‌های نامشهود به این علت که روابط قراردادی بین شرکت و کارکنان آن فاقد قطعیت و اطمینان است، نمی‌توانند سرمایه‌ای تلقی شوند.

در راستای مشکلات حسابداری دارایی‌های نامشهود می‌توان به اهمیت معیار شناسایی این دارایی‌ها اشاره نمود. به عبارت دیگر معیار شناسایی مورد نیاز توسط هیئت استانداردهای بین‌الملل حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی که به عنوان قابلیت اتکاء نیز از آن یاد

می‌شود، مشکل حسابداری دیگری را در ارتباط با دارایی نامشهود ایجاد می‌کند. آپتون (۲۰۰۱) در مطالعه خود این موضوع را مورد توجه قرار داد که شرکت ممکن است دارای اقلامی باشد که تعریف دارایی را دارند اما هنوز این اقلام را در صورتهای مالی شناسایی نشده‌اند [۲۳].

به هر حال تحت استانداردهای حسابداری کنونی، اغلب سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در دارایی‌های نامشهود در هنگام وقوع بلادرنگ به عنوان هزینه شناسایی می‌شوند، در حالیکه منافع حاصله از این سرمایه‌گذاری‌ها بعداً ثبت می‌شود؛ در نتیجه اصل تطابق درآمدها و هزینه‌ها به طور جدی زیر پا گذاشته می‌شود و متعاقباً بر مربوط بودن اطلاعات مالی مثل سود، جریان‌های نقدی و ارزش دفتری تأثیر می‌گذارد [۱۸]. در قسمت بعد به بررسی یکی از اقلام دارایی‌های نامشهود و برخی مشکلات پیش روی آن پرداخته می‌شود.

تحقیق و توسعه

اصطلاح تحقیق و توسعه در برگیرنده بخش وسیعی از فعالیتهایی است که به ایجاد برخی از دارایی‌های نامشهود در درون شرکت از قبیل نرم افزارها، نام تجاری، حق امتیازها منجر می‌گردد. این قبیل دارایی‌های نامشهود که در اثر فعالیت‌های تحقیق و توسعه پدید آمده‌اند با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌باشند. برای مثال با توجه به بیانیه هیئت استانداردهای حسابداری مالی، کلیه مخارج تحقیق و توسعه بجز مخارج توسعه نرم افزار کامپیوتری که می‌تواند سرمایه‌ای شود، در هنگام وقوع به حساب هزینه نوشته می‌شود [۱۲]. به هر حال سرمایه‌ای کردن این مخارج مشروط به موفقیت بدست آمده از آزمون امکان‌پذیری تکنیکی آنها می‌باشد. در اینجا مخارج متحمل شده برای استقرار امکان‌پذیری تکنیکی یک محصول به عنوان تحقیق و توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد و تحت بیانیه شماره دو هیئت استانداردهای حسابداری مالی در هنگام وقوع به حساب هزینه ثبت می‌گردد. [۱۲]. برعکس مخارج متحمل شده بعد از استقرار امکان‌سنجی تکنیکی و قبل از اینکه محصول در اختیار عموم قرار گیرد، سرمایه‌ای شود. با توجه به استنباط هیئت استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه شماره دو، دلایل زیادی می‌تواند این

تصمیم را برای شناسایی بلادرننگ مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه توضیح دهد. این دلایل مربوط به عدم قطعیت منافع آتی، فقدان رابطه علی و معلولی بین مخارج و منافع و عدم مفید بودن برای سرمایه گذاران است. با توجه به استانداردهای هیئت استانداردهای حسابداری بین الملل، رویه حسابداری دارایی های نامشهود ایجاد شده در داخل شرکت انعطاف پذیری کمتری دارد و همچنان ناکارآمد است [۱۴]. بنابراین نیاز است تا بین تحقیق و توسعه تمایز قائل می شویم. به عبارت بهتر همه مخارج تحقیق در هنگام وقوع باید به حساب هزینه برده شود. حال آنکه در قسمت توسعه، به شرکت اجازه داده می شود تا شواهدی مبنی بر وجود قابلیت درآمدزایی دارایی های نامشهود بدست آورد. لذا مخارج توسعه مطابق با شرایط معین سرمایه ای می گردد. مواردی که هزینه های مرتبط با ایجاد دارایی های نامشهود می تواند در ترازنامه بیاید نادر است. در ارتباط با مخارج تحقیق و توسعه محققانی همچون سوء و همکاران (۲۰۰۶)، در تحقیق خود شواهدی پیرامون رابطه مثبتی پیرامون سطح سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، هزینه سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه و هزینه سرمایه با استفاده از داده های متعلق به نمونه ای از شرکت های آمریکایی دست یافتند. با توجه به تحقیق آنها سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه موجب افزایش هزینه سرمایه می گردد که دلیل این امر آن است که این سرمایه گذاری ها موجب عدم تقارن اطلاعاتی و منجر به افزایش ریسک شده است [۲۲]. این دیدگاه تا حدی به توجیه ادعای هیئت استانداردهای حسابداری مالی در عدم سرمایه ای کردن دارایی های نامشهود ایجاد شده داخلی کمک می کند. کوتاری و لئون (۲۰۰۲)، شواهدی قوی کشف کردند که نشان می داد سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، موجب ایجاد منافع آتی شده که این منافع عدم اطمینان زیادتری نسبت به منافع ایجاد شده از سرمایه گذاری در دارایی های مشهود دارد [۱۶].

نقش افشای اختیاری در مواجهه با چالش های دارایی های نامشهود

محققان بسیاری تلاش کرده اند تا رابطه بین اطلاعات مالی گنجانده شده در صورت های مالی و ارزش بازار را با استفاده از مدل های ارزش یابی گوناگون شرکت مورد آزمون قرار دهد. در این راستا محققان دریافته اند که مفید بودن اطلاعات مالی برای سرمایه گزاران به طور با اهمیتی کاهش یافته است [۱۸]. رونن و همکاران در تحقیق خود نشان دادند که کاهش مربوط بودن اطلاعات مالی ارزش بازار در شرکت هایی که از نظر دارایی های نامشهود سطح بالاتری دارند، شدیدتر است [۱۰]. در واقع یک شرکت از این پیامد اجتماعی^۵ اقتصادی که در فرآهم آوردن اطلاعات مربوط و مناسب برای سهام داران و سرمایه گذاران بالقوه ناتوان باشد، رنج می برد. پیامدهایی از قبیل عدم تقارن اطلاعاتی می تواند منجر به تخصیص نادرست منابع در بازار سرمایه گردد. مطالعات انجام شده نشان داد که گزارش گری نادرست دارایی های نامشهود در صورت های مالی یک شرکت، موجب ایجاد سطح بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران درونی و بیرونی آن شرکت می گردد [۵]. نتایج بدست آمده از سایر تحقیقات حاکی از آن است که اگر چه رویه های حسابداری ناکافی پیرامون شناسایی و اندازه گیری دارایی های نامشهود منجر به تخصیص نادرست منابع در بازار سرمایه شده است؛ اما با این حال این مشکل رامی توان با استفاده از افشای اختیاری اطلاعات پیرامون دارایی های نامشهود تا حد زیادی کاهش داد.

نتیجه گیری

در شرایط اقتصادی دنیای امروز، دارایی های نامشهود به عنوان یکی از مهمترین منابع ایجاد ارزش برای شرکتها تلقی می گردند. اما علی رغم این جایگاه مهم، ارزشیابی این قبیل دارایی ها با استفاده از رویه ها و استانداردهای کنونی حسابداری با مشکلاتی از قبیل شناسایی، اندازه گیری و کنترل همراه است. این مشکلات موجب شده تا شرکتها در فراهم آوردن اطلاعات مربوط و مناسب برای سهام داران و سرمایه گذاران بالقوه ناتوان باشند. این امر منجر به تخصیص نادرست منابع در بازار سرمایه می گردد. با این حال این مشکل می تواند با استفاده از

افشای اختیاری اطلاعات پیرامون دارایی های نامشهود کاهش یابد که این امر محدودیت ها و صدمات ناشی از استانداردهای کنونی حسابداری را کاهش می دهد.

منابع

۱. ستایش، محمد حسین، موسوی نژاد، سید روح الله، "دارایی های نامشهود ثبت نشده"، **مجله حسابداری رسمی**، صص ۸۹ - ۹۴
۲. سید نژاد فهیم، سید رضا، اقدامی، اسماعیل، "اهمیت دارایی نامشهود به عنوان مزیت رقابتی پایدار"، **مجله حسابداری رسمی**، صص ۱۲۴-۱۲۰.
۳. شاهعلی زاده، رامین، "هزینه یابی، ارزش گذاری و گزارشگری منابع انسانی"، **مجله مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، زمستان ۹۱. صص ۶ - ۵
4. Aboody, D. & Lev, K., (1998), "The value relevance of intangibles: The case of software capitalization", **Journal of Accounting Research**, Vol. 36, PP. 161 - 191.
5. Akerlof, G., (1970), "The market for 'lemons': Quality uncertainty and the market mechanism", **The Quarterly Journal of Economics**, Vol. 90, PP. 629-50.
6. Al-Twajjry, Abdulrahman, (2009), "Intangible Assets and Future Growth: Evidence from Japan", **Asian Review of Accounting**, Vol. 17, No. 1, PP. 23-39.
7. Ashton, R. H., (2005), "Intellectual capital and value creation: A review", **Journal of Accounting Literature**, Vol. 24, PP. 53-134.
8. Blair, M. M. & Wallman, S. M. H., (2000), "Unseen wealth: Report of the Brookings task force on understanding intangibles sources of value", Washington, DC: The Brookings Institution Press.
9. Dahmash, Firas, N., Durand, Robert B. and Watson, John, (2009), "The Value Relevance and Reliability of Reported Goodwill and Identifiable Intangible Assets", **The British Accounting Review**, Vol. 41, PP. 120-137.
10. Dantoh, A., Radhakrishnan, S. & Ronen, J., (2004), "The declining value-relevance of accounting information and non-information-based trading: An empirical analysis", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 21, No. 4, PP. 795-812.

11. Daniel, Z. Anis, M., (2011), "The accounting treatment of intangibles – A critical review of the literature", **Accounting Forum**, Vol. 35, PP. 262– 274
12. Financial Accounting Standards Board – FASB NN., (2001a), "Getting a grip on intangible assets–what they are, why they matter, and who should be managing them in your organization", **Harvard Management Update**, Vol. 6, No. 2, PP. 6–8.
13. Hunter, L., Webster, E. & Wyatt, A., (2005), "Measuring intangible capital: A review of current practice", **Australian Accounting Review**, Vol. 15, No. 2, PP. 4–22.
14. International Accounting Standards Board – IASB, (2004), "Intangible assets", **International Accounting Standards**, No. 38, London, UK (revised).
15. Kaplan R. and Norton D., (2004), "Strategy maps, converting intangible assets into tangible outcomes", **Harvard Business School Press**, Boston.
16. Khotari, S. P., Laguerre, T. E. & Leone, A. J., (2002), "Capitalization versus expensing: Evidence on the uncertainty of future earnings from capital expenditures versus R & D outlays", **Review of Accounting Studies**, Vol. 7, PP. 355–382.
17. Kirsten, E. & Gregory W., (1999), "Intangible assets and equity valuation in the pre-SEC era", Retrieved from: <http://ssrn.com/abstract=158669> or DOI:10.2139/ssrn.158669
18. Lev, B. & Zarowin, P., (1999), "The boundaries of financial reporting and how to extend them", **Journal of Accounting Research**, Vol. 37, No. 2, PP. 353–385.
19. Liang, C. J. & Yao, M. L., (2005), "The value-relevance of financial and nonfinancial information—Evidence from Taiwan's information electronics industry", **Review of Quantitative Finance and Accounting**, Vol. 24, PP. 135–175.
20. OECD, (2007), "Policy Brief: Creating value from intellectual assets", OECD Observer, February 2007, Paris.
21. Penman, Stephen H., (2009), "Accounting for Intangible Assets: There is Also an Income Statement", **ABACUS**, Vol. 45, No. 3, PP. 358-371
22. Seow, G., Shangguan, Z. & Vasudevan, G., (2006), "Intangible investments and the cost of equity capital", **The International Journal of Finance**, Vol. 18, No. 2, PP. 3980–4012.

23. Upton, W. S., J. R., (2001), "Special report: Business and financial reporting: Challenges from the new economy", Financial Accounting Series 219-A, Financial Accounting Standard Board – FASB, Norwalk, April.
24. Zéghal, D., (2000), "New assets for the new economy", **FMI Journal**, Vol. 11, PP. 35-40.

